

بررسی ابعادی از تحولات جغرافیای فرهنگی شهر

(مطالعه موردی: مناطق ۱ و ۱۲ شهر تهران)^۱

زهره فنی* - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی
پذیرش مقاله: ۸۷/۷/۱۲ تأیید نهایی: ۸۷/۱۲/۱۴

چکیده

جغرافی‌دانان فرهنگی با تأکید بر مبانی و اصول علم جغرافیا و با اعتقاد به فضای شهری به عنوان چشم‌انداز فرهنگی (انسانی)، به بررسی تحولات فرهنگی و نقش آن در شکل‌دهی به فضاهای جغرافیایی می‌پردازند. در این نوشتار، منظور از تحولات جغرافیای فرهنگی شهر، بررسی تحولات فرهنگی برپایه پنج مفهوم محوری یعنی «ناحیه فرهنگی»، «بخش فرهنگی»، «بوم‌شناسی فرهنگی»، «درهم‌تبدلی فرهنگی» و «چشم‌انداز فرهنگی» در فضای شهری است. مراد از تحولات فرهنگی، تغییر اندیشه، دیدگاه و رفتار ساکنان شهر است که بر سیمای شهر تأثیری سرنوشت‌ساز می‌گذارد. شهرها به‌عنوان مراکز اداری - سیاسی، اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در کانون بیشترین تحولات، به‌ویژه تغییرات فرهنگی هر کشور قرار دارند. در این پژوهش مناطق ۱ و ۱۲ شهر تهران - به دلیل ویژگی‌های شان - انتخاب شدند و به منظور شناخت ویژگی‌ها و آزمون فرضیات مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که ریخت‌شناسی فضایی و فرهنگی شهر تهران به‌طور اعم، و مناطق موردنظر به‌طور اخص، مظهر تأثیرگذاری ساخت ارتباطات و فناوری‌های جدید ارتباطی (نوگرایی) و تغییرات سطح رفاه زندگی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی آنهاست.

کلیدواژه‌ها: جغرافیای فرهنگی، چشم‌انداز شهری، تحولات فرهنگی، ریخت‌شناسی سکونتگاه‌های شهری.

مقدمه

دگرگونی‌ها و تحولات فرهنگی به‌صورت تدریجی و بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است. به همین دلیل، ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته کاملاً گسترده‌اند در حالی که گرایش‌های جدید تا حد زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ دارند و با جایگزینی نسل جدید با نسل گذشته آن، جهان‌بینی متداول و محیط زندگی این جوامع تغییر می‌یابد.

همان‌گونه که اینگهارت اشاره می‌کند: هرچند فرهنگ‌ها در پاسخ به دگرگونی‌های محیط اقتصادی - اجتماعی، سیاسی و تکنولوژیکی تحول می‌یابند، به‌نوبه خود به محیط شکل می‌دهند (اینگهارت، ۱۳۷۳، ۶۶).

۱. این مقاله از نتایج طرح پژوهشی خاتمه‌یافته‌ای تحت حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی استخراج شده است.

* E-mail: z-fanni@sbu.ac.ir

نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۸۴۴۳۹۴

مسلم است که کانون‌های شهری و به‌ویژه کلان‌شهرها در معرض برخورد فرهنگ‌ها قرار دارند و به‌عنوان چهارراه فرهنگ‌ها با دیدگاه‌ها و ارزش‌های متفاوت عمل می‌کنند. اگرچه ممکن است در جامعه‌ای منزوی تغییرات فرهنگی کند و بطئی باشد، در شهرها وضع به‌گونه دیگری است و سرعت تحول در جریان‌ها^۱ و ارتباطات^۲ در شهرها، عینیت بیشتری می‌یابد. اصولاً برنامه‌ریزی شهری با هدف مهم ساماندهی امور شهری و یافتن راه‌حل‌های مناسب برای مسائل زیست شهری و حتی برنامه‌ریزی فیزیکی - کالبدی شهر، بدون توجه به ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی شهر و شهروندان نمی‌تواند مؤثر و بنیادی باشد. هرگاه در برنامه‌ریزی‌ها، زمینه‌ها و شرایط توسعه اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرند، روند توسعه سریع‌تر و پایدارتر خواهد بود (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴، ۸).

تامسون معتقد است اولین نموده‌ها و بیشترین تحولات فرهنگی در جامعه شهری را می‌توان در گرایش‌های انسان‌محورانه، قانون‌مدارانه و محیط‌گرایانه جست‌وجو کرد (Thompson, 1992, 6). بنابراین، لازمه توسعه پایدار و بالندگی انسان در محیط شهری، انطباق هرچه بیشتر سیما و کالبد شهر با زیرساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن است. در این تحقیق، به نقش مهم تحولات فرهنگی در محیط شهری پرداخته شده و بر این اساس، سعی در مطالعه و شناخت رابطه میان ریخت‌شناسی (مورفولوژی) شهری با تغییرات فرهنگی صورت گرفته است. این تحقیق می‌تواند بستر و زمینه‌ای برای شناخت عمیق مبانی تحولات فرهنگی شهری و گامی مؤثر در برنامه‌ریزی و تحلیل کنش‌های فضایی باشد.

پژوهش حاضر با استفاده از برخی مفاهیم تغییرات فرهنگ شهری و در چارچوب نظریه‌های جغرافیای فرهنگی، به مطالعه تحولات فرهنگ شهری به‌طور موردی در مناطق ۱ و ۱۲ شهر تهران (که بنا به تعبیر مرحوم دکتر مصطفی مؤمنی، مناطق «بیشترین تحول» شناخته و معرفی شدند) می‌پردازد و آثار آن را در ریخت‌شناسی چشم‌انداز مناطق مذکور، بررسی می‌کند.

سابقه بررسی‌های میدانی در زمینه تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جهان به حدود سال ۱۹۳۰ در امریکا بازمی‌گردد. بل‌لازار^۳ از پیشروان این بررسی‌هاست. در سال ۱۹۳۵ جرج گالوپ^۴ اولین مؤسسه پژوهش در نگرش‌ها و رفتارها را در امریکا تأسیس کرد. در خلال سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ روان‌شناسانی چون لیکرت^۵، گاتمن^۶ و استوفر^۷ نقش بسیار ارزنده‌ای را در بررسی افکار عمومی بر جای نهاده‌اند. در سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۶ کوشش‌هایی در زمینه شناسایی نگرش‌های اجتماعی در جهان غرب صورت پذیرفت. از پیشگامان این دوره، رونالد اینگههارت^۸ است که در کتابش به نام «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی» کوشید تحولات ارزشی در جوامع صنعتی را مورد نقد و بررسی قرار دهد. او

1. Circulation
2. Communication
3. Bell lazar
4. Gorge Gaalop
5. Likret
6. Gottman
7. Estofer
8. Ronald Inglehart

تبيين کرد که اين جوامع دستخوش تحول شده‌اند و ارزش‌های مادی سال‌های قبل، جای خود را به ارزش‌های غیرمادی داده است. در ایران نیز در خلال دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ کوشش‌هایی برای شناخت ارزش‌ها و عقاید عمومی (و نه تحولات فرهنگی - اجتماعی) در قالب نواحی فرهنگی، صورت پذیرفته است که می‌توان مهم‌ترین آنها را در پژوهش‌های منوچهر محسنی (۱۳۷۹) و مهدی طاهرخانی (۱۳۸۳) جست‌وجو کرد.

چالش‌ها و دلایل بحث

بروز و وجود دگرگونی، پخش و تأثیرپذیری فرهنگی انسان‌ها در طول زمان و تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی، روندی طبیعی و دائمی است. فهم و درک تحولات فرهنگی فضاهای شهری، مستلزم ارزیابی فرایندهای شهری در گذشته و حال و نیز تشریح و تبیین آنها براساس اصول و مبانی دیدگاه‌های مطرح در این زمینه است. الگوهای فرهنگی نظیر شکل، معماری و مصالح ساختمان‌ها، نقشه خیابان‌ها و کاربری زمین که امروزه مشاهد می‌شوند، ترکیبی از فرهنگ‌های گذشته و حال و منعکس‌کننده بخشی از تفکرات، فناوری و نهادهای جوامع انسانی است. پایگاه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوت، بر سطح آگاهی، استفاده از منابع کسب آگاهی و تفاوت‌های الگوی فضایی و سکونتگاهی نواحی شهری تأثیرگذار است. بدین ترتیب شهرها که حامل برجسته فرهنگ انسانی، برگرفته از محیط طبیعی و منعکس‌کننده اهداف اجتماعی، فناوری، ارزش‌ها و نهادهای انسانی هستند، واحدهای مکانی مناسب برای ارزیابی روند تغییرات مذکور به‌نظر می‌رسند. در این طرح، این تغییرات و عوامل مؤثر در بروز آنها، برای نمونه در دو منطقه از شهر تهران، بررسی شده که امید است بتواند در عرصه جغرافیای شهری ایران، به یافتن ارتباط میان این تحولات و گرایش‌های گفته شده در شهری جهانی مانند تهران کمک کند. از این‌رو، پرسش‌هایی از این دست تنظیم شد: آیا تغییرات پایگاه اجتماعی و اقتصادی در متفاوت بودن الگوی سکونتگاهی و ریخت‌شناسی فضایی دو منطقه ۱ و ۱۲ شهر تهران مؤثر بوده است؟ آیا سطح و نوع کاربرد رسانه‌های ارتباط جمعی در عدم تمایل افراد جامعه به الگوهای بومی سکونت مؤثر است؟ برای یافتن پاسخ‌هایی مناسب، فرضیاتی تنظیم شدند: (۱) بهبود پایگاه اجتماعی و اقتصادی در متفاوت بودن الگوی سکونتگاهی و ریخت‌شناسی فضایی دو منطقه ۱ و ۱۲ شهر تهران مؤثر بوده است. (۲) بین سطح کاربرد رسانه‌های ارتباط جمعی و عدم تمایل افراد جامعه به الگوهای بومی سکونت، ارتباط معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق در مرحله نخست نیازمند مطالعات بنیادی و نظری گسترده‌ای است و از دیدگاه‌های مطرح در جغرافیای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی سود جسته است. از سوی دیگر، با مطالعه و بررسی میدانی به ارزیابی و تحلیل تأثیرات و اشکال مختلف تحولات فرهنگی در سطح جامعه شهری پرداخته می‌شود. بنابراین، از دو روش پهنانگر و ژرفانگر استفاده شده است. برای کاربرد روش ژرفانگر، از میان مناطق مسکونی (مناطق شهری) به گزینش و پرسشگری در دو منطقه متفاوت از حیث ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی پرداخته شد:

- منطقه ۱۲ شهرداری تهران، شامل منطقه بازار و پیرامون آن که در حال گذار اکولوژیک قرار دارد.

- منطقه ۱ شهرداری تهران، شامل منطقه تجریش که از جمعیت‌پذیرترین و تحول‌پذیرترین مناطق شهر تهران است.

در نهایت با توجه به ماهیت تحقیق، به تحلیل داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزارهای آماری پرداخته شده است. در این تحقیق با استفاده از روش کوکران^۱ حجم نمونه تعیین گردید و از دو جامعه آماری - یعنی جمعیت مناطق ۱ و ۱۲ شهر تهران - به منظور انجام بررسی‌های موردنظر در تحقیق، حجم نمونه انتخاب شده به طور تصادفی (غیرسیستماتیک) مورد پرسش قرار گرفتند.

تغییر فرهنگی چیست؟

تغییر فرهنگی از مفاهیم جدایی‌ناپذیر فرهنگ است؛ چراکه همواره ملت‌ها سعی دارند که در نظم‌دهی به واقعیات زندگی، جهت‌گیری‌های فکری و جهان‌بینی مختص خود را داشته باشند (Karen, 2002, 2). از دهه ۱۹۶۰ شواهد بسیاری برای مردم‌شناسان پدید آمد که نشان می‌داد هیچ فرهنگی در انزوا نیست و وقتی فرهنگ‌ها تغییر می‌کنند، قادرند تأثیرات جدی بر محیط بگذارند. همچنین تغییرات محیطی نیز بر فرهنگ‌ها تأثیر می‌گذارند. بدیهی است که تغییرات فرهنگی بسیار پیچیده‌اند و دامنه و تأثیرات عمیقی دارند؛ لذا درک تمامی این تغییرات، مستلزم در پیش گرفتن «رویکرد کل‌نگر»^۲ در مطالعه فرهنگ‌ها و محیط‌های مختلف جغرافیایی است. به عبارت دیگر باید فرض گرفت که تجربه انسانی فقط زمانی درک‌شدنی است که به شکل «چندبعدی»^۳ مطرح شود. در آن صورت می‌توان امیدوار بود که تغییرات فرهنگی به خوبی درک شوند (طاهرخانی، ۱۳۸۳، ۱۲). درک علت واقعی تغییرات فرهنگی نیز ابعاد گوناگونی دارد و تأثیرات آن بر فضای عینی هم مشهود است. به هر حال غافل شدن از تغییرات فرهنگی موجب سردرگمی در تحلیل‌های فضایی خواهد شد.

فرهنگ شهری^۴

فرهنگ شهری را می‌توان در سه مفهوم جست‌وجو و تبیین کرد: نخست به معنای شیوه زندگی و دربرگیرنده مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، باورها و نگرش‌هاست؛ یعنی نوع زندگی در شهر، به معنای تبعیت فرد شهرنشین از قواعد و اصولی مانند احترام به قوانین شهری، رعایت حقوق فرهنگی و مذهبی دیگران. دوم، توجه و احترام به مجموعه کالبدی و فیزیکی و نمادهایی که معانی خاصی را برای شهرنشینان تداعی می‌کنند و ممکن است به باورهای ذهنی و روانی آنها مربوط باشد. سومین جنبه از معنای فرهنگ شهری، توجه به منابع فرهنگی از جمله خرده‌فرهنگ‌ها، بناها و آثار تاریخی، آداب و رسوم، فولکلور و دیگر منابعی است که زاده زیست‌بوم شهری‌اند.

از خصوصیات برجسته فرهنگ شهری، پیچیدگی و تمایز کمی و کیفی عناصر آن است. فرهنگ شهری، مجموعه

1. Cochran
2. Holistic Approach
3. Multifaceted
4. Urban Culture

پیچیده و درهم‌تنیده‌ای است که حاصل تعامل نظام‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی شهر است. در این فرهنگ، اقتصاد معیشتی مبتنی بر ارزش استفاده، جای خود را به فرهنگ بازار مبتنی بر ارزش مبادله کالا و خدمات می‌دهد. روابط شخصی رو در رو و متکی بر عواطف جای خود را به روابط غیرفردی و رسمی متکی بر عقلانیت معطوف به هدف می‌دهد. اقتدار سنتی در عرصه سیاست، جای خود را به فرهنگ عقلانی - قانونی در خدمت به مصالح عمومی می‌دهد. بنابراین فرهنگ شهری به‌لحاظ ساختاری و کارکردی پدیده‌ای جدید و حاصل دوران مدرن است و مستلزم صرف زمان و تلاش بیشتری است تا نهادینه و کارآمد شود (Barnett & صرافی، ۲۰۰۳، ۴).

مفهوم بوم‌شناسی فرهنگی^۱

سامانه اجتماعی - فرهنگی در زیستگاه^۲ و بستر طبیعی به‌وجود می‌آید و بی‌تردید این محیط بر سامانه فرهنگی اثر گذارست. امروزه اندیشمندان بر آن اند که محیط، امکان کسب و یا به‌کار بردن برخی ویژگی‌های فرهنگی^۳ را پدید می‌آورد، تشویق می‌کند و یا باز می‌دارد، ولی تعیین‌کننده دگرگونی‌های فرهنگی نیست (جردن و راوتنری، ۱۳۸۰، ۹۵). بوم‌شناسی فرهنگی به بحث در خصوص مطالعه روابط علت و معلولی میان فرهنگ‌ها و محیط طبیعی می‌پردازد و اصطلاح بسیار نزدیک به آن، «بوم‌شناسی انسانی» است. تفاوت عمده آنها در این است که بوم‌شناسی فرهنگی، متضمن مطالعه کنش متقابل میان محیط طبیعی و انسانی است که در آن انسان به‌مثابه حیوان دارای فرهنگ در نظر گرفته می‌شود؛ درحالی‌که در بوم‌شناسی انسانی، گروه‌های انسانی در محیط فیزیکی‌شان بسیار مشابه با گروه‌های حیوانی فاقد فرهنگ مورد مطالعه قرار می‌گیرند. بنا به اعتقاد برخی، بوم‌شناسی انسانی بیشتر به مطالعه انسانی به‌عنوان ابزار ایجاد تغییر و دخل و تصرف در محیط گرایش دارد (همان، ۱۳۸۰، ۱۵).

بوم‌شناسی فرهنگی، تأثیرات متقابل مردم بر منابع و فضا را بررسی می‌کند و درواقع به مطالعه روابط متقابل بین گروه فرهنگی دارنده شیوه زندگی مشترک مادی و معنوی با محیط طبیعی، و یا چگونگی زندگی مردم، محدودیت‌ها و موانع محیطی و اجتماعی می‌پردازد (ن.ک. شکویی، ۱۳۸۲، ۲۳۲). با توجه به اینکه از زمان مطرح شدن اصول پایه جغرافیا، توجه به دو عامل انسان و محیط و کنش‌های آن دو در کانون علم جغرافیا قرار گرفته، مکاتب مختلفی با محوریت این دو عامل و گاه با برتری یکی از آنها مطرح شده‌اند.

فرهنگ در جغرافیا (جغرافیای فرهنگی)

درخصوص ماهیت و مرزهای جغرافیای فرهنگی^۴ نظرها و برداشت‌های متفاوتی وجود دارد، که به‌طور کلی می‌توان آنها را در چارچوب دو دیدگاه متفاوت و همزاد طبقه‌بندی کرد. دیدگاه اول برگرفته از جغرافیای آلمان است که جغرافیای

1. Cultural Ecology
2. Habitat
3. Cultural Traits
4. Cultural Geography

فرهنگی را معادل «جغرافیای سنتی انسانی کلاسیک» می‌داند و روابط متقابل محیط با فرهنگ گروه‌های انسانی و همه‌مظاهر و پیامدهای گوناگون مادی و مکانی فضای ناشی از مناسبات را موضوع جغرافیای فرهنگی برمی‌شمارد. در دیدگاه دوم که در مکتب جغرافیای برکلی امریکا قوام یافته است، جغرافیای فرهنگی به‌مثابه جغرافیای اقتصادی، جغرافیای شهری و مانند اینها، «زیرشاخه‌ای از جغرافیای انسانی» قلمداد می‌شود.

فرهنگ در جغرافیا به‌عنوان «نحوه زندگی» گروهی از انسان‌ها تعریف می‌شود. مشابهت در زبان و کلام، رفتار، ایدئولوژی، معیشت، فناوری و نظام ارزشی، انسان‌ها را در قالب یک فرهنگ گرد هم می‌آورد. فرهنگ با نظام باورهای اکتسابی، ادراکات و انگیزه‌هایی که غرایز و رفتارهای فطری انسان را تکمیل می‌کنند، مرتبط است. فرهنگ به‌طور ساده عبارت است از کنش متقابل میان انسان‌ها؛ بنابراین هر فرد بالقوه می‌تواند در فرهنگی که با دیگران اشتراک دارد، تغییر ایجاد کند و تغییر به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی همواره مطرح بوده است (جردن و راوتتری، ۱۳۸۰، ۱۴). بنابراین جغرافیای فرهنگی، به مطالعه فضایی گروه‌های فرهنگی و عملکرد فضایی جامعه می‌پردازد. این شاخه از جغرافیا، بر توصیف و تجزیه و تحلیل تفاوت‌ها و شباهت‌ها در زبان، مذهب، اقتصاد، حکومت و دیگر پدیده‌های فرهنگی از مکانی به مکان دیگر تکیه دارد.

زمان و تحول در جغرافیای فرهنگی

توزیع فضایی اشکال فرهنگی، نتیجه تغییرات در طول زمان است. چشم‌اندازهای فرهنگی اغلب محصول اعمال انسان‌ها در طی قرون متمادی است. تصمیمات بوم‌شناختی که انسان‌ها می‌گیرند، ریشه در کنش‌های متقابل آنها با محیط گذشته دارد. پخش فرهنگی نیز با توجه به ماهیت متنوعش، بستگی به گذشت زمان دارد. به هر حال جغرافی‌دان فرهنگی برای فهم و تبیین تشابهات و تغییرات فضایی فرهنگ ملزم به داشتن نگرش تاریخی و کنکاش در گذشته است.

چشم‌اندازهای فرهنگی نشان‌دهنده سیمای حکایت از نیروها و شرایط علی‌ای دارند که ممکن است اکنون موجود نباشند. توجه اصلی جغرافی‌دانان همواره به فضا معطوف است. جغرافی‌دان از آن رو به مطالعه تغییرات در طول زمان می‌پردازد که به فهم و تشریح الگوهای فضایی کمک می‌کند (راوتتری، ۱۳۸۰، ۱۵). شاید به همین دلیل است که جغرافیای فرهنگی هزاره سوم به‌سمت رنسانس شهری در جهت پایداری فضاهای شهری پیش می‌رود و طرح‌های شهری رو سوی هر چه پایدارتر کردن منظر و چشم‌اندازهای شهری نظیر ساختمان‌های بلندمرتبه در شهرهای بزرگ دارند (Tavernor, 2007, 2).

مفهوم درهم‌تنیدگی فرهنگی^۱

تبیین تغییرات و تفاوت‌های فضایی انسان مستلزم در نظر گرفتن مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی است. به اعتقاد جغرافی‌دانان فرهنگی، تمام اشکال فرهنگی، فضای در هم‌تنیده‌ای را پدید آورده‌اند. به‌طور خلاصه، فرهنگ‌ها

مجموعه‌ای از ویژگی‌های با هم مرتبط و کلیتی پیچیده‌اند و به‌عنوان واحدهایی درهم‌تنیده که تمام بخش‌ها و قسمت‌های‌شان به‌صورت علی با یکدیگر مرتبط هستند، در نظر گرفته می‌شوند. این مفهوم بدین معناست که علل بلافصل برخی از پدیده‌های فرهنگی، علل دیگر پدیده‌های فرهنگی نیز هست. در هم‌تنیدگی فرهنگی مفهومی ایستا نیست، چراکه تغییر در یک عنصر مستلزم تغییرات تبعی در دیگر عناصر است. برای درک درهم‌تنیدگی و ارتباط میان عناصر یک فرهنگ، توزیع یکی از اشکال و خصیصه‌های فرهنگی بدون مطالعه تغییرات دیگر اشکال و خصیصه‌های آن فرهنگ غیرممکن است (جردن و راوتنری، ۱۳۸۰، ۱۶).

چشم‌انداز فرهنگی^۱

چشم‌انداز فرهنگی، در واقع همان چشم‌انداز ساخته شده‌ای است که گروه‌های فرهنگی ضمن سکونت خود در سطح زمین به‌وجود می‌آورند. فرهنگ‌ها با استفاده از داده‌های اولیه محیط طبیعی، چشم‌اندازهای خاص خود را شکل می‌دهند. هر منطقه مسکونی دارای چشم‌انداز فرهنگی ملهم از چشم‌اندازهای طبیعی خود است. مطالعه ابعاد رؤیت‌پذیر فرهنگ‌ها به‌قدری اهمیت دارد که برخی جغرافی‌دانان فرهنگی بررسی چشم‌انداز را به‌عنوان مرکز توجه جغرافیا برشمرده‌اند.

هر ناحیه فرهنگی، ویژگی‌های خود را از نظام ایدئولوژیک، سازمان‌های اجتماعی، امکانات تکنیکی و مهارت‌های صنعتی برمی‌گزیند، از این رو عوامل فرهنگی در هیچ دوره و زمانی ثابت و پایدار نیست بلکه زاینده و پویاست. در پویایی و تحول فرهنگ و در نتیجه تغییر چشم‌اندازهای فرهنگی، دو عامل بیش از همه مؤثر می‌افتد: یکی اختراع و نوآوری و دیگری پراکندگی یا انتشار جغرافیایی فرهنگ‌ها (شکویی، ۱۳۷۵، ۱۷۳). شهرها همانند دیگر مکان‌های جغرافیایی به‌دست انسان‌ها مسکونی شده‌اند و بیانگر نظم و آرایش جالبی از چشم‌اندازهای فرهنگی هستند. این چشم‌اندازها روابط پیچیده متقابل انسان و محیط پیرامونش را بیان می‌کنند. گردی کلی^۲ در کتابش درباره چشم‌اندازهای شهری امریکایی گفته است: «در چشم‌انداز هیچ سری نیست، جز پدیده‌ها و رویدادهای تبیین‌نشده که باید شناخته شوند. بی‌نظمی و آشفتگی واقعی در سیمای شهر وجود دارد و فقط الگوها و نشانه‌های شهری باید سازمان یابند» (به نقل از جردن و راوتنری، ۱۳۸۰، ۴۷۶).

استناد به تغییرات چشم‌اندازها طی زمان، بینش اندیشمندان‌ای برای انتخاب مسیر توسعه آتی سکونتگاه‌ها ارائه می‌دهد. امروزه در بیشتر شهرهای جهان و ایران، به‌دلیل همگرایی بصری^۳ هویت شهرها در معرض تهدید جدی قرار دارد؛ بدین معنا که شهرها حتی به‌قیمت از دست دادن ویژگی‌های ناحیه‌ای‌شان به پذیرش ظاهر مشابهی تمایل دارند. همگرایی بصری عمدتاً از وجوه اشتراک در مسائل ساختمان‌سازی نظیر فن احداث، تأمین نیازهای تجاری، فضا و سبک معماری ناشی می‌شود.

1. Cultural Landscape
2. Grady Clay
3. Visual Convergence

مفهوم ناحیه فرهنگی^۱

زمانی که افتراق مکانی مطرح است، مفهوم ناحیه در ذهن جغرافی‌دان تداعی می‌شود. در این مفهوم، روابط و پیوند داخلی و خارجی بین پدیده‌هایی که در یک حوزه ظاهر می‌شوند، به آن حوزه توازن و تجانس می‌بخشند و تفاوت‌های این حوزه را با حوزه‌های مجاور به نمایش می‌گذارند (شکویی، ۱۳۷۸، ۱۲۷). از این رو، می‌توان ناحیه را از طریق تجانس و کارکردهای آن شناخت. ناحیه فرهنگی، ناحیه‌ای است که ویژگی‌های فرهنگی آن متجانس و یکدست باشد و بتواند از نواحی مجاور متمایز شود. در شهرها محله‌هایی وجود دارند که هر یک، ناحیه‌ای فرهنگی به شمار می‌آیند و فرهنگ محله‌ای در برابر محله‌های مجاور، جدایی و افتراق مشهودی را به نمایش می‌گذارد.

فضای شهری و ریخت‌شناسی فضایی

فضای شهری از طریق فرایندهای طبیعی نظام یافته است و انسان، شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه آن را شکل می‌دهند. فضای شهری حامل و آیین‌فکر، فرهنگ، طبیعت و منعکس‌کننده طیف اهداف اجتماعی، فناوری، ارزش‌ها و نهادهای انسانی است (Harvey, 1996, 45). فضای فرهنگی شهر، پیام‌هایی به‌مراتب فراتر از پیام‌های اقتصادی و تجاری دارند و مملو از معانی، احساسات درونی، خاطرات و محتویات ضروری برای بافت اجتماعی و فرهنگی هستند. پیام مشترک، لاینفک و نهفته در تمام چشم‌اندازها و معمولاً چگونگی برخورد با محیط، مدیریت، تغییر و حفظ آن را تعیین می‌کند. این چشم‌اندازها نیز طی گذر زمان و اثرپذیری از عواملی مانند نوآوری و انتشار، تحول می‌یابند (Delevan, 1983, 400 & Williamson, 1995, 12). درون‌مایه‌های مادی، اجتماعی و فرهنگی به‌وجود می‌آید (پوراحمد و شماعی، ۱۳۸۴ و به نقل از شکویی، ۱۳۷۵).

کیفیت فضاهای شهری، نتیجه تعامل میان فرهنگ انسانی و ویژگی‌های محیط طبیعی است. پس می‌توان گفت که فرهنگ، عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری فضای شهری است و در ریخت‌شناسی فضایی توجه به فرهنگ اهمیت اساسی دارد. از آنجا که هر ساخت‌وسازی در فضای شهری برخاسته از طرز تفکر برنامه‌ریزان و مردم شهر است، آنها بر پایه سطح فرهنگ و اندیشه‌های‌شان دست به خلق آثار می‌زنند و بر تأثیرپذیری فضای شهری از فرهنگ صحنه می‌گذارند.

الگوی سکونت

الگوی سکونت، الگویی است که فرد آن را برای ادامه زندگی مکانی خود برمی‌گزیند و براساس آن فضای سکونتگاهی خود را طرح‌ریزی می‌کند. انتخاب نوع الگوی سکونت می‌تواند چشم‌انداز مسلط شهری را به‌دست دهد. بیشتر عمر افراد در محل سکونت‌شان سپری می‌شود و علاقه دارند که سکونت‌شان در محلی دلخواه باشد و ترجیح می‌دهند بیشترین سرمایه‌شان را به سکونتگاه خود اختصاص دهند. این الگو می‌تواند نتیجه شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، طبیعی و

1. Cultural Area/Region

انتخاب آزادانه افراد باشد و هر کدام از این موارد در شکل‌گیری الگوی سکونتگاهی نقش ویژه‌ای دارد. الگوی سکونت از ابتدایی‌ترین و سنتی‌ترین تا مدرن‌ترین آن به شرایط پیچیده‌ای بستگی دارد که شرایط فرهنگی و سطح آگاهی‌های اجتماعی - فرهنگی می‌تواند یکی از آنها باشد.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی^۱

پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد ریشه در تاریخ جامعه بشری دارد و در مقاطع زمانی مختلف به اشکال گوناگون نمود می‌یابد. زمانی به صورت طبقات اجتماعی، اشراف، بورژوا و دهقانان، و زمانی به نام طبقات مختلف موجب پیدایش نظام‌های کاستی و جدایی‌گزینی انسان‌ها از هم بوده است. این مفهوم همواره مؤلفه‌های سواد، تحصیلات، نژاد، جنس، درآمد، شغل، منطقه سکونت، نفوذ و اقتدار اجتماعی را در خود داشته است. از این‌رو، پایگاه اجتماعی - اقتصادی همان موقعیت قرارگیری فرد در جامعه است. هر فردی در هر مکانی، دارای پایگاه اجتماعی - اقتصادی ویژه‌ای است که در بررسی‌های مربوط به تحولات فرهنگی - اجتماعی می‌بایست بر آن تأکید کرد.

نظریه پخش فضایی

در علم جغرافیا، ابتدا در سال ۱۹۵۳، تورستن هاگراسترانند، جغرافی‌دان سوئدی، نظریه پخش را مطرح ساخت که با همکاری خود آن را در زمینه گسترش نوآوری‌ها و پدیده‌های کشاورزی به کار گرفت (شکویی، ۱۳۷۸، ۳۰۲). این نظریه با توجه به انتشار و پخش پدیده‌های گوناگون در طول زمان که دارای تأثیرات مختلف اقتصادی و اجتماعی است، به تحلیل فرایندهای شکل‌دهی فضا می‌پردازد. وی شش عامل اصلی را در تحلیل روندهای فضای جغرافیایی تأثیرگذار می‌داند که بدین شرح است: مکان جغرافیایی پخش، زمان یا توالی زمانی پخش، موضوع پخش، خاستگاه و مکان اولیه پخش، مقصد نهایی پخش و مسیر جریان پخش.

دیدگاه‌های تقلیل‌گرایی و پدیدارشناسی

از دیدگاه‌های مطرح در تحلیل و توصیف چشم‌اندازهای متغیر شهری، دیدگاه‌های تقلیل‌گرایی و پدیدارشناسی است (Arkette, 2004, 5). نظریه‌های تقلیل‌گرایانه بیان می‌دارند که شهرها مجموعه‌ای از شبکه‌بندی اماکن و تأسیسات محصور فیزیکی، روزنه‌ها، سطوح صاف و خطوط متقاطع هستند که با نیروی شبکه‌بندی کارتزینی به یکدیگر مرتبط شده‌اند. از این‌رو این دیدگاه به روابط و جنبه‌های انسانی و غیرمادی در اجزای شهر توجه ندارد. ولی دیدگاه پدیدارشناسانه، توصیفی است از صفات و خصایص مادی، احساسی و جنبه‌های روان‌شناختی شهر به همراه خصایص فرهنگی جوامع گوناگون و خرده‌فرهنگ‌هایی که به تنوع فضای شهری کمک می‌کنند. در این دیدگاه، نظریه تقلیل‌گرایانه به دلیل تأکید بر روش‌های آمرانه و ایجاد فضاهای متحجرانه و انعطاف‌ناپذیر، در حلقه تغییرناپذیری گرفتار

1. Socioeconomic Rank

آمده است. نظریه‌های غیرتقلیلی نشان می‌دهند که شهر فقط مجموعه‌ای از ساختمان‌ها و خیابان‌ها نیست که با تقسیم مؤثر و منظم هستی‌شناسانه فضاهای محصور پدید آمده باشد. از جنبه‌های در خور بررسی در این پژوهش می‌توان به تأکید بر الگوی سکونتگاهی، ریخت‌شناسی فضایی محله‌های شهری و الگوی سکونت بومی تحت تأثیر تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی افراد پرداخت.

نظریه تحرک جغرافیایی

بالانديه با پژوهشی در جوامع روستایی و شهری برازاول (روشه، ۱۳۷۰، ۲۲۲) نشان داده است که شهرنشینی گسترده می‌تواند بر فضای اجتماعی و فرهنگی شهر آثار عمیقی داشته باشد. جاذبه شهری که در آن امید به تغییرات اقتصادی و ثروتمند شدن وجود دارد، تمایل به تغییر پایگاه اجتماعی و فرهنگی را به همراه می‌آورد. این تمایل، بیشتر به منظور اخذ الگوی زندگی شهری و سمبل‌های آن و ضرورت کمک به نزدیکان و والدین بوده است.

نظریه‌های تغییرات اجتماعی - فرهنگی

ایزنشتاد تمایل به تغییرات اجتماعی و فرهنگی را در تمامی جوامع امری ذاتی دانسته چرا که معتقد است جوامع با مسائلی روبه‌رو می‌شوند که هیچ راه‌حل دائمی برای‌شان وجود ندارد. این تغییرات در حوزه علوم اجتماعی در قالب نظریه‌های تکامل، تضاد، ساختی - کارکردی، سیستمی و روانشناسی - اجتماعی تبیین شده است (طاهرخانی به نقل از واکو، ۱۳۷۲، ۳۸). مهم‌ترین این نظریه‌ها، نظریه وابستگی است و پل بارون از پایه‌گذاران آن معتقد است که انتقال مسالمت‌آمیز فرهنگ، دانش و فناوری غرب به کشورهای کمتر توسعه‌یافته می‌تواند، به‌عنوان عامل اصلی قدرتمند در پیشرفت اقتصادی عمل کند. تاراج همه‌جانبه کشورهای ضعیف‌تر به وسیله سرمایه‌داری غربی، توسعه آنها را مختل کرده است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱، ۱۰۲). نظریه‌پردازان این مکتب معتقدند که به دلیل شکاف ساختاری بین جوامع، فرهنگ نیز همانند سایر کالاهای اقتصادی به کشورهای در حال توسعه وارد می‌شود. در شرایط نابرابر و وابسته، فرهنگ و ساختار اجتماعی کشورهای در حال توسعه، خودآگاه یا ناخودآگاه به سمت فرهنگ غربی تمایل پیدا می‌کند، رفتار، معاشرت، چشم‌اندازها و بسیاری از شئون دیگر آنها تغییر می‌یابد. البته این نفوذ در همه‌جا یکسان نیست و ممکن است در برخی مکان‌ها با پذیرش و در برخی دیگر با مقاومت روبه‌رو شود.

فرهنگ‌گرایان شهری، شهر را معمولاً کانون یادگیری اکتسابی، ارتباطات، جمع‌های خصمانه، سروصدا، جاه‌طلبی، فردگرایی، آزادی، تنهایی و گمنامی، بدی و زشتی، بی‌تفاوتی، تعقل و خردورزی، ابزارگرایی، نقش‌ها و روابط رسمی و غیرشخصی، عقلانیت و حسابگری، روح سودجویی و مادی‌گرایی، قانون‌گرایی، سطحی و تصنعی بودن روابط - و یا به تعبیر جدید - کانون تقسیم کار پیچیده و تخصصی شدن کارکردها، مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی، تغییرات اجتماعی و تحرک فرهنگی، قدرت و ثروت و منبع اطلاعات و نوآوری می‌دانند (افروغ، ۱۳۷۷، ۱۱۰).

یافته‌های پژوهش

در ابتدای مطلب برای آگاهی از روند و میزان تحولات فرهنگی در نواحی فرهنگی شهر تهران، با الهام از اصول اولیه

جغرافیای فرهنگی فضای شهر، فرضیاتی تدوین شد و به بررسی و تنظیم مؤلفه‌های خاصی برای هر فرضیه پرداخته شد. برای دستیابی به این مؤلفه‌ها، با استفاده از سؤالات پرسش‌نامه، شاخص‌هایی تدوین شد که در اینجا مهم‌ترین نتایج آنها آمده است:

برای آگاهی از تأثیرگذاری پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد در متفاوت بودن الگوی سکونتگاهی و ریخت‌شناسی فضایی دو منطقه مورد مطالعه، بعد از بررسی‌های به عمل آمده از طریق مشاهدات و تکمیل پرسش‌نامه در مناطق منتخب، به گرد کردن نتایج پاسخ سؤالات به شکل متغیرها و مؤلفه‌های تشکیل دهنده فرضیه‌ها، اقدام شد. از عوامل موثر بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی ساکنان هر منطقه می‌توان به میزان بیکاری، بی‌سوادی، تراکم نفر در واحد مسکونی و سهم شاغلان در بخش‌های عمومی و خصوصی فعالیت‌ها اشاره کرد. بنابراین در هر دو منطقه، پهنه‌هایی با پایگاه‌های مشابه اجتماعی - اقتصادی یافت می‌شوند که دارای موقعیت پایین‌تری در مقایسه با سایر نواحی آنها هستند؛ چنین چیزی در منطقه ۱۲ بیشتر از منطقه یک به چشم می‌خورد. در هر دو منطقه یک و دوازده، مراکز محله‌ای سرزنده، فعال و باهویت توانسته‌اند به عنوان مراکز اصلی تعاملات اجتماعی در محله‌ها مطرح باشند، ولی این مراکز در سرتاسر این مناطق پراکنده نشده‌اند و برای برنامه‌ریزی‌های جامع و تفصیلی در محدوده این مناطق، انجام مطالعات دقیق‌تر تکمیلی ضروری است. برای سنجش میزان همبستگی بین متغیرهای تحقیق، از ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن^۱ (نادری و نراقی، ۱۳۶۸، ۲۸) استفاده شده و نتایج نهایی به شرح زیر به دست آمده است:

به منظور آزمون فرض اول، از ارتباط نحوه الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی و رضایتمندی شهروندان از آن با پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد در دو منطقه ۱ و ۱۲ استفاده شد؛ که نتایج آن به شرح زیر است:

جدول ۱. مشخصات متغیرهای آماری فرضیه اول

شرح	منطقه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
نحوه الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی و رضایتمندی از آن	۱	۲۲۱	۲۳/۳۶۰	۳/۹۵۱۸
	۱۲	۱۶۸	۱۹/۸۷۱	۳/۶۶۹۸
پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد	۱	۲۴۹	۲۸/۴۳۱	۵/۱۹۸۶
	۱۲	۱۸۲	۲۷/۰۶۸	۴/۱۴۴۹

منبع: نتایج مطالعه میدانی نگارنده (۸۷-۱۳۸۶)

همان گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، تعداد پاسخ‌دهندگان در منطقه ۱ و ۱۲ به سؤالات مطرح شده در خصوص نوع الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی و رضایتمندی از آن به ترتیب ۲۲۱ و ۱۶۸ نفر و در خصوص پایگاه اقتصادی -

۱. تفسیر مقدار این ضریب همچون ضریب همبستگی پیرسون (Pearson) است. بدین معنی که مقادیر مثبت آن نشان‌دهنده رابطه مستقیم و مقادیر منفی آن بیانگر رابطه معکوس بین دو متغیر است. به علاوه، کوچک بودن این ضریب دلالت بر ضعیف بودن رابطه و مقادیر نزدیک‌تر به ۱ یا -۱ دلالت بر رابطه‌های قوی‌تر دارند. معناداری نتیجه هر آزمون نیز در سطح ۰/۰۵ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. یعنی اگر کمتر از ۰/۰۵ باشد، ارتباط معناداری بین دو متغیر وجود دارد. همچنین در این تحقیق منظور از الگوی سکونت، اشاره به نحوه سکونت در آپارتمان (آپارتمان‌نشینی) و یا خانه‌های یک یا دوطبقه حیاط‌دار است.

اجتماعی افراد به ترتیب ۲۴۹ و ۱۸۲ نفر بوده است. به عبارت دیگر در منطقه یک افراد بیشتری به معیارهای تعیین کننده پایگاه اقتصادی - اجتماعی حساسیت نشان داده‌اند. طبق جداول ۲ و ۳، پایگاه اجتماعی - اقتصادی نمونه‌ها در دو منطقه مورد بررسی تفاوت معناداری دارند و همزمان نحوه الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی و رضایتمندی از آن در دو منطقه نیز متفاوت است.

جدول ۲. سطح معناداری نحوه الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی و رضایت از آن با پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد در دو منطقه ۱ و ۱۲

منطقه ۱۲		منطقه ۱		شرح
معناداری	همبستگی	معناداری	همبستگی	
۰/۰۰۰	-۰/۳۶۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۶۲	نحوه الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی و رضایتمندی از آن با پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد

منبع: نتایج مطالعه میدانی نگارنده (۸۷-۱۳۸۶)

این هم‌زمانی نشان می‌دهد که پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی افراد در هر دو منطقه، با نوع الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی و رضایتمندی از محل و الگوی سکونت، ارتباط دارد. به منظور آزمون سطح تغییرات روی داده در الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی و نیز ارتباط آن با پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد در دو منطقه ۱ و ۱۲ نیز پرسش‌هایی به بوطه آزمون گذاشته شد، که نتایج آن به قرار زیر است:

جدول ۳. مقایسه سطح معناداری نحوه الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی و رضایت از آن با پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد در دو منطقه ۱ و ۱۲

شرح	آماره t	درجه آزادی	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری
نوع الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی و رضایتمندی شهروندان از آن	۸/۸۹۵	۳۸۷	۳/۴۸۹۵	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد	۳/۰۲۴	۴۲۵/۷۳	۱/۳۶۲۴	۰/۰۰۳

منبع: نتایج مطالعه میدانی نگارنده (۸۷-۱۳۸۶)

جدول ۴. مشخصات متغیرهای آماری تغییرات روی داده در زمینه پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد

شرح	منطقه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
(تغییرات) الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی	۱	۲۳۹	۵/۴۸	۱/۲۸۶
	۱۲	۱۷۸	۵/۲۹	۱/۲۸۶
پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد	۱	۲۴۹	۲۸/۴۳۱	۵/۱۹۸۶
	۱۲	۱۸۲	۲۷/۰۶۸	۴/۱۴۴۹

منبع: نتایج مطالعه میدانی نگارنده (۸۷-۱۳۸۶)

با توجه به سؤالات مطرح شده در پرسش‌نامه و محاسبه آن (جدول ۵ و ۶)، بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و تغییرات روی داده در الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی در طول زمان، در دو منطقه ۱ و ۱۲ تهران تفاوت بارزی مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر، بین میزان تغییرات در الگوی سکونت و محل مسکونی افراد و سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی آنها در هر دو منطقه تفاوت و رابطه معناداری دیده نشد.

جدول ۵. همبستگی میان تغییرات الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی نمونه‌های آماری در دو منطقه ۱ و ۱۲

شرح	آماره t	درجه آزادی	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری
(تغییرات) الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی	۱/۴۸۵	۴۱۵	۰/۱۸۹	۰/۱۳۸
پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد	۳/۰۲۴	۴۲۵/۷۳	۱/۳۶۲۴	۰/۰۰۳

منبع: نتایج مطالعه میدانی نگارنده (۸۷-۱۳۸۶)

در هنگام تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، به نتایج دیگری نظیر ارتباط بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد هر دو منطقه با تفاوت در گرایش به بومی بودن معماری و ساخت مسکن پی برده شد. به عبارت دیگر، مردم ساکن در این نواحی فرهنگی با تکیه بر موقعیت و توانایی‌های اقتصادی و اجتماعی‌شان، الگوی معماری و ساخت‌وساز محل سکونت خود را تعیین و اجرا می‌کنند. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که در این مناطق، گونه یا درجه‌ای از درهم‌تنیدگی فرهنگی وجود دارد که به آنها چشم‌انداز متمایزکننده‌ای می‌بخشد.

جدول ۶. مقایسه میزان همبستگی میان تغییرات الگوی سکونت و ریخت‌شناسی فضایی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی در دو منطقه ۱ و ۱۲

شرح	منطقه ۱		منطقه ۱۲	
	همبستگی	معناداری	همبستگی	معناداری
پایگاه اقتصادی، اجتماعی با بومی بودن الگوی معماری	-۰/۱۹۳	۰/۰۰۲	-۰/۳۵۵	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی، اجتماعی با تغییر الگوی معماری بومی	-۰/۱۴۹	۰/۰۱۹	۰/۰۸۳	۰/۲۶۸

منبع: نتایج مطالعات میدانی نگارنده (۸۷-۱۳۸۶)

برای بررسی فرض دوم که بین سطح و نوع کاربرد رسانه‌های ارتباط جمعی و عدم تمایل افراد جامعه به الگوهای بومی سکونت ارتباط معناداری وجود دارد یا خیر، شاخص‌ها و متغیرهای دیگری محاسبه گردید. برای این کار همانند فرض اول، نتایج پاسخ چند سؤال برای متغیرها و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فرضیه گرد شد و نتایجی به شرح زیر به دست آمد:

جدول ۷. مشخصات متغیرهای آماری فرضیه دوم

شرح	منطقه	تعداد	میانگین	انحراف معیار
الگوی معماری بومی	۱	۲۴۹	۱۰/۷۷	۲/۳۲۳
	۱۲	۱۸۲	۱۱/۳۸	۲/۸۱۶
سطح استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی	۱	۲۴۶	۶/۴۲	۱/۵۴۴
	۱۲	۱۷۸	۵/۹۸	۱/۳۳۴
نوع رسانه مورد استفاده	۱	۲۲۳	۴/۵۰	۱/۳۷۵
	۱۲	۱۶۳	۴/۱۸	۱/۳۱۹

منبع: نتایج مطالعات میدانی نگارنده (۸۷-۱۳۸۶)

جدول ۸. میزان همبستگی و سطح معناداری بین سطح کاربرد رسانه‌ها و تمایل افراد به رعایت الگوی بومی معماری در دو منطقه ۱ و ۱۲

شرح	منطقه ۱		منطقه ۱۲	
	همبستگی	معناداری	همبستگی	معناداری
تغییرات استفاده از رسانه با الگوی معماری بومی	۰/۱۴۵	۰/۰۳	۰/۳۰۳	۰/۰۰۰
نوع استفاده از رسانه با بومی بودن الگوی معماری	-۰/۰۴۹	۰/۴۴۰	-۰/۴۲۷	۰/۰۰۰
تغییر سطح ارتباطات جمعی با بومی بودن الگوی معماری	-۰/۰۲۸	۰/۶۸۴	-۰/۳۵۴	۰/۰۰۰

منبع: نتایج مطالعات میدانی نگارنده (۸۷-۱۳۸۶)

جدول ۹. میزان همبستگی میان الگوی معماری بومی با سطح و نوع استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی در دو منطقه ۱ و ۱۲

شرح	آماره t	درجه آزادی	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری
الگوی معماری بومی	-۲/۳۸۱	۳۴۳/۷۷	-۰/۶۰۸	۰/۰۱۸
سطح استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی	۳/۱۳۳	۴۰۸/۸۹	۰/۴۴۰	۰/۰۰۲
نوع رسانه مورد استفاده	۲/۲۹۶	۳۸۴	۰/۳۲۰	۰/۰۲۲

منبع: نتایج مطالعات میدانی نگارنده (۸۷-۱۳۸۶)

همان‌گونه که جداول ۸ و ۹ نشان می‌دهند، به‌طور کلی ضرایب همبستگی بین استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و تغییرات الگوی معماری بومی در دو منطقه ۱ و ۱۲ شهر تهران رابطه معکوس و ضعیفی نشان می‌دهد. به‌عبارتی در هر دو منطقه بین استفاده از رسانه‌های جمعی و بومی یا طالب بومی بودن معماری رابطه معکوسی وجود دارد. یعنی با افزایش یکی، دیگری کاهش می‌یابد. اما با توجه به سطح معناداری، درمی‌یابیم که این ارتباط در منطقه ۱۲ قوی‌تر است. در این منطقه هرچه نوع، میزان و تغییرات استفاده از وسایل ارتباط جمعی بیشتر بوده، الگوی معماری و سکونت بومی

کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مورد رابطه سطح استفاده از رسانه با بومی بودن الگوی معماری، در منطقه ۱ رابطه معناداری بین این دو متغیر مشاهده نمی‌شود، در حالی که در منطقه ۱۲ رابطه‌ای معنادار و عکس بین این دو برقرار است. به عبارتی با تغییر نوع رسانه مورد استفاده و افزایش استفاده از رسانه‌های جدید در میان ساکنان منطقه ۱۲ میزان بومی بودن الگوی سکونت به طور معناداری کاهش یافته است، در حالی که در منطقه ۱ چنین نیست.

هرچند در فرضیه‌های تحقیق اشاره‌ای به میزان رضایت افراد از الگوی سکونت‌شان نشده است، ولی با مراجعه به نتایج بررسی‌های میدانی می‌توان به این مورد هم پرداخت. جدول ۱۰ بیانگر وجود ارتباط قوی بین رضایت از الگوی سکونت با پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان استفاده از رسانه‌هاست. با بالا بودن میزان کاربرد رسانه‌ها و پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد، میزان رضایتمندی آنها از الگوی سکونت بیشتر می‌شود، که این رابطه در منطقه ۱ شهر تهران چشمگیرتر بوده است.

جدول ۱۰. میزان همبستگی و سطح معناداری بین میزان استفاده از رسانه‌ها و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با رضایتمندی از الگوی سکونت

منطقه ۱۲		منطقه ۱		شرح
معناداری	همبستگی	معناداری	همبستگی	
۰/۳۰۷	۰/۰۸	۰/۰۰۰	۰/۲۸۳	رضایتمندی از الگوی سکونت با میزان استفاده از رسانه
۰/۰۰۰	۰/۳۴۹	۰/۰۰۰	۰/۲۸۷	رضایتمندی از الگوی سکونت با پایگاه اقتصادی، اجتماعی

منبع: نتایج مطالعات میدانی نگارنده (۸۷-۱۳۸۶)

نتیجه‌گیری

مراجعه و تمرکز بر مفاهیم بنیادی و پایه در این تحقیق برای دو منطقه مورد بررسی، دو «ناحیه فرهنگی» متفاوت را نشان می‌دهد که در هریک از آنها، آثار غلبه گونه‌های فرهنگی خاص بر پیکره و ساختار زندگی و رفتار انسانی آشکار است. با برقراری ارتباط میان متغیرهایی در سطح پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد، آشکار شد که این پایگاه در متفاوت بودن نوع الگوی سکونتگاهی و ریخت‌شناسی فضایی دو منطقه ۱ و ۱۲ شهر تهران مؤثر بوده است. همچنین با مشاهدات میدانی، درجه‌ای از «درهم‌تنیدگی فرهنگی» در این دو منطقه، که می‌تواند در شکل‌گیری «چشم‌انداز فرهنگی» ویژه آنها نقش مهمی داشته باشد، به نمایش گذاشته شد. این چشم‌اندازهای فرهنگی در دو منطقه مورد بررسی، از شرایط اقتصادی - اجتماعی ساکنان آنها، نوع الگوی سکونت و میزان رضایتمندی از آن تأثیر پذیرفته و تابعی از برخی روندهای پخش فضایی فرهنگ بوده‌اند.

همان‌گونه که در بحث نظری عنوان شد، از انواع پخش انبساطی، پخش سلسله‌مراتبی مانند رواج یک فعالیت یا شیوه زیست از یک مرکز شهری به سایر مراکز است. پخش سرایتی در گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب، درست همانند اشاعه بیماری‌ای مسری یا مد لباس است. گاه خصیصه‌ای فرهنگی دفع می‌شود ولی ایده‌های بنیادی و زیرساختی در کل پذیرفته می‌شوند که به پخش انگیزه‌ای معروف شده است. اگرچه هر یک از مناطق مورد بررسی یک خرده‌ناحیه فرهنگی را تشکیل می‌دهند، اما آثار برخی از پخش‌های فرهنگی از مراکز پیشرفته و مدرن

شهر به طرف آنها و نیز اشاعه شیوه‌های جدید الگوی سکونت و معماری، به‌ویژه از سوی منطقه ۱ به‌سمت منطقه ۱۲، دیده شده است.

همان‌گونه که جداول نشان می‌دهند، نتایج بررسی‌های میدانی سطح معناداری بالایی از رابطه را میان سطح کاربرد رسانه‌های ارتباط جمعی و عدم تمایل افراد جامعه به رعایت و توجه به الگوهای بومی سکونت نشان می‌دهد و دلالت بر تأیید فرض دوم تحقیق دارد. در این دو منطقه نیز تفاوت‌های درخور توجهی در سطح و نوع کاربرد رسانه‌های ارتباط جمعی مشاهده شد و آشکار گردید که آگاهی‌های اجتماعی و اقتصادی منتج از آنها تحت تأثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، توانسته است بر تکوین چشم‌اندازهای خاص فرهنگی و درهم‌تنیدگی فرهنگی (شکل و معماری سکونتگاه، نوع و سطح زندگی، سطح رضایتمندی از الگوی سکونت و غیره) مؤثر واقع شود. این نمودی از همان مفهوم بازتاب فرهنگی یعنی چکیده و محصول فرهنگ خاص جوامع است. در این دو منطقه، بازتاب فضایی فرهنگ اکثریت ساکنان، همسو و تأثیرگذار بر ساخت و پیکره کالبدی و معماری سکونتگاه‌های آن است و در محیط زندگی می‌توان آن را مشاهده کرد. درواقع، از آنجا که آثار تمدنی یا فضاهاى جدید و پیشرفته بشری، زاده یا بازتاب فرهنگ یا فرهنگ‌ها هستند، پس هر نوع تحول و تغییر فرهنگی، تغییرات محیطی و کالبدی را به‌دنبال خواهد داشت.

همچنین در مطالعه این مناطق، نمونه‌هایی از انواع پخش فضایی فرهنگ و نوآوری‌های تکنولوژیکی که در تکوین چشم‌اندازهای سکونتگاهی مؤثرند، دیده شد که بیانگر وجود این روندها در تمامی مناطق شهری - عمدتاً ناشی از بسط آگاهی‌ها و اطلاعات - است. بسط اطلاعات و آگاهی‌ها نیز به‌طور طبیعی در نتیجه افزایش سطح کاربرد وسایل ارتباط جمعی بوده است. تبعات این گذار فرهنگی در هر دو منطقه و به‌ویژه منطقه یک - که مستندات و نتایج بررسی‌های میدانی دلالت بر شدت و سرعت بروز تحولات اجتماعی و فرهنگی در آن دارد - بیشتر مشاهده می‌شود. از این‌رو می‌توان چنین بیان کرد:

- پابندی به سنت‌های اصیل و ارزش‌های دینی، مهم‌ترین جنبه در چشم‌اندازهای فرهنگی مناطق، به‌ویژه در حفظ بافت قدیم بوده است. لذا توجه به این نکته، اساس حفظ فرهنگ بومی و ملی در هر منطقه است.
- توجه به فرهنگ بومی و برنامه‌ریزی فرهنگی برای تقویت پایه‌های فکری و بینشی مردم و به‌ویژه جوانان، از جمله اصولی است که معمولاً به فراموشی سپرده می‌شود. توجه به حفظ فرهنگ ملی و بومی باید در تمامی برنامه‌های توسعه‌ای اعم از اقتصادی - اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی نهادینه شود.^۱ لازم است که این شیوع و ترویج تفکر فرهنگی از مراکز قدرت و بانفوذ جامعه شروع شود و به لایه‌های پایین‌تر رسوخ کند.
- با رویکردهای توانمندسازی انسانی و ظرفیت‌سازی اقتصادی - اجتماعی در مناطق مختلف شهر تهران - به‌ویژه محله‌هایی که از نظر پایگاه اقتصادی - اجتماعی در سطح پایین‌تری قرار دارند - می‌توان به ریخت‌شناسی شهری، سیمای پایدارتری بخشید.
- فرهنگ‌سازی بومی، اکولوژیک و پایدار در نواحی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا، می‌تواند از مهم‌ترین رویکردها در ارتقای کیفیت محیط و کارکردها و به‌ویژه تشویق به رسوخ آن به‌سمت سایر مراکز شهری به‌شمار آید.

۱. نمونه‌هایی از این حرکت‌ها را می‌توان در جشنواره‌ها و برنامه‌های فرهنگی ملل دیگر مشاهده کرد.

- تشویق به ایجاد نهادهای مدنی غیردولتی به منظور برنامه‌ریزی و ترویج نحوه ساخت‌وساز و معماری سازگار و اکولوژیک که بخش مهمی از فرهنگ ایرانی را تشکیل می‌دهد، با تشکیل گروه‌های جوان و نوجوان، می‌تواند در حفظ، مرمت و توسعه بافت مسکونی موجود مفید واقع شود.^۱
- تعریف و ارائه کارکردهای جدید برای بافت ساخته‌شده قدیمی و احیاناً تاریخی، با توجه به نیازهای امروزی، و حفاظت و مرمت الگوهای سکونتگاهی بومی موضوعی اساسی به‌شمار می‌رود.
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی و سمینارهایی برای آشنایی ساکنان محله‌های تهران با مزیت‌های حفظ و استفاده از الگوهای معماری و ساخت‌وساز بومی و اکولوژیک.
- تشویق ساکنان محله‌ها به حفظ و مرمت بافت موجود و نگهداری آنها به‌وسیله ابزارها و بسترهای قانونی. برای نمونه، حذف مالیات افرادی که در جهت حفظ این آثار تلاش می‌کنند می‌تواند راهی برای اجرایی کردن این فرایند باشد.

منابع

- ارمه، گی، ۱۳۷۶، فرهنگ و دموکراسی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، ققنوس، تهران
- افروغ، عماد، ۱۳۷۷، فضا و نابرابری‌های اجتماعی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- اینگه‌هارت، رونالد، ۱۳۷۳، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، انتشارات کویر، تهران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدمامیر، ۱۳۸۱، نظریه‌های توسعه روستایی، سمت، تهران.
- پاتر رابرت، لوید و ایونز، ۱۳۸۴، شهر در جهان در حال توسعه، ترجمه کیومرث ایراندوست و همکاران، سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
- پورا احمد، احمد و شمعی، علی، ۱۳۸۴، بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران.
- تاملینسون، جان، ۱۳۸۱، جهانی‌شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- جردن. تری. ج و راونتزی لستر، ۱۳۸۰، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، مترجمان سیمین تولایی و محمد سلیمانی، انتشارات فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران.
- جلالی مقدم، مسعود، ۱۳۸۶، فرهنگ چیست؟ امیرکبیر، تهران.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، سمت، تهران.
- رجایی، فرهنگ، ۱۳۸۲، پدیده جهانی‌شدن، وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، آگاه، تهران.
- روشه، گی، ۱۳۷۰، تغییرات اجتماعی، ترجمه منوچهر وثوقی، نشر نی، تهران.
- سلیمی، حسین، ۱۳۷۹، فرهنگی‌گرایی، جهانی‌شدن و حقوق بشر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران.
- شکویی، حسین، ۱۳۷۸، فلسفه جغرافیا (اندیشه‌های نو)، گیتاشناسی، تهران.

۱. نگارنده، مشابه این کار را در شهرهای ایتالیا مشاهده کرده، در حالی که در ایران هنوز کار مرمت بنا، تخصصی نشده و جایگاه خود را پیدا نکرده است.

- شکویی، حسین، ۱۳۸۰، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، سمت، تهران.
- شکویی، حسین، ۱۳۸۲، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی (جلد دوم)، گیتاشناسی، تهران.
- صرافی، مظفر، ۱۳۸۳، شهر فرهنگی و فرهنگ شهری، ماهنامه شهرداری‌ها، سال ششم، ش. ۶۴.
- طاهرخانی، مهدی، ۱۳۸۳، سنجش تغییر ارزش‌ها و عقاید مردم (نمونه شهر قزوین) در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- کرنک، مایک، ۱۳۸۴، جغرافیای فرهنگی، ترجمه مهدی قرخلو، انتشارات سمت، تهران.
- گرهارد و جین لنسکی، ۱۳۶۹، سیر جوامع بشری، ترجمه ناصر موفقیان، سازمان انتشارات و آموزشی انقلاب اسلامی، تهران.
- گل محمدی، احمد، ۱۳۸۱، جهانی‌شدن، فرهنگ و هویت، نشر نی، تهران.
- محسنی، منوچهر و کوثری، مسعود، ۱۳۷۸، وضعیت تحقیقات فرهنگی - اجتماعی در ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- نادری، عزت‌الله و مریم سیف نراقی، ۱۳۶۸، آمار استنباطی در علم انسانی، انتشارات دفتر آموزش ضمن خدمت، تهران.
- نقی‌زاده، محمد، ۱۳۷۸، هویت، تجلی فرهنگ در محیط، مجله آبادی، شماره ۳۴، مرکز مطالعات معماری و شهرسازی، تهران.
- Arkette, S., 2004, **Sounds Like City**, Theory Culture & Society Journal, 21(1): 159 Feb. (available at: web of science, 2006).
- Barnett, Clive, 2003, **Culture and Democracy: Media, Space and Representation**, Edinburgh University Press.
- Crang, D., 1998, **Cultural Geography**, Rutledge, London.
- Delevan, William M., **Adaptation, Variation and Cultural Geography**, The Professional Geographer, Volume 35, Issue 4, Page 399-407, Nov 1983.
- Docherty, T., 1993, **Postmodernism: A Reader**, Colombia University Press, New York.
- Edgar Andrew & Peter Sedgwick, 2005, **Cultural Theory: The Key Concepts**, Rutledge.
- Harvey, David, 1996, **Justice, Nature & the Geography of Difference**, Blackwell.
- Jeffrey S. Smith, 2003, **Cultural Geography: A Survey of Perceptions Held by Cultural Geography Specialty Group Members**, The Professional Geographer, Volume 55, Issue 1, Page 18-30, Feb.
- Jenks, Chris, 1993, **Cultural Reproduction**, Rutledge, London.
- Karen, A. Cerulo, 2002, **Culture in Mind: Toward a Sociology of Culture and Cognition**, Rutledge, London & New York.
- Marshall T. H. and Bottomore Tom, 1992, **Citizenship & Social Class**, Pluto press, Chicago.
- Tavernor, Robert, 2007, **Visual and Cultural Sustainability: The impact of tall building on London**, Landscape and Urban Planning: 83(2-12).
- Thompson, J. B., 1992, **Ideology and Modern Culture**, Polity Press, Cambridge.
- Tweed, Ch. & Sutherland, M., 2007, **Built Cultural Heritage and Sustainable Urban development**, Landscape and Urban Planning, 83(62-69).
- Williamson, T., 1995, **Polite Landscapes: Gender and Society in Eighteenth Century England**, Johns Hopkins University Press, Baltimore.